



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۲/۳۱



جليل غنى هروی

## توضیحی بر استفاده از نام مستعار در جهان

درین روزها بحث های در رابطه با استفاده از نام مستعار و یا هم مستعار نویسی در راسنه های گروهی بیرون از کشور نشر گردیده و نظریات و تعریف های متفاوتی هم از آن چگونگی و یا هم دلایل مستعار نویسی از طرف عده ای از نویسندگان ارائه گردیده.

یکی از بحث های که در اثر جدیدم به نام «ژورنالیزم دوست یا دشمن مردم» که اخیراً در امریکا و افغانستان چاپ گردید و به به دسترس علاقمندان قرار گرفته، به این موضوع اختصاص یافته است که خواستم به علاقه مندان بحث ارائه دارم.

استفاده از نام مستعار زمینه را برای یک نویسنده و ژورنالیست در جامعه و شرایطی فراهم می سازد که نویسنده، نظر به دلایل امنیتی، اختناق فرهنگی و یا محدودیت های عقیدتی و سیاسی نتواند حقایق و نارسایی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سایر کمبودها را به اطلاع مردم برساند و راه های بیرون رفت از چنین نارسایی ها و کمبودها را پیشنهاد کند. در این میان تعدادی هم هستند که با استفاده از نام های مستعار، به خصوص در جامعه هایی که قانون حاکم نیست و خودسری ها بیدار می کند، به عقده گشایی، ناسزاگویی، تهمت، افتراء، نشر مطالب مستهجن و مسابلی از این قبیل دست می زنند که نوعی ترور شخصیت و تجاوز بر حریم اشخاص، خانواده ها و وقار و حیثیت اشخاص بوده می تواند و مغایر تمام آموزه ها و اصول و موازین ژورنالیزم و اخلاق نویسنده در هر زبان، فرهنگ و اصول نگارش است.

پیشرفت تکنولوژی زمینه دسترسی همگانی به ارائه نظریات و خبرها و سایر معلومات مفید را در دنیای مجازی به اسرع وقت میسر ساخته، ولی شوربختانه هستند کسان و نهادهایی که بدون در نظر داشت ارزش ها و اخلاق نویسنده و عدم رعایت فرهنگ استفاده از این تکنولوژی در دنیای مجازی، و بدون رعایت اصول و اساسات آزادی بیان و یا هم محدودیت های آن، هر چه خواستند می نویسند. باتأسف که متصدیان بعضی از این ویبسایت ها که از آزادی بیان و فکر فقط نام آن را یاد گرفته اند نه مفاهیم حقوقی و محتوایی آن را، به عنوان این که «هرکس حق دارد نظری بدهد»، هر آنچه نگاشته می شود و به دست می آورند، نشر می کنند.

استفاده از نام های مستعار مثل هر پدیده دیگری جهان بشریت و مرتبط با انسان، پیشینه و دلایلی دارد که چنین دلایل یا به مرور زمان منتفی می شود و ضرورت استفاده از آن رفع می گردد، و یا هم برای برآورده ساختن مقاصد و منافع شخصی ادامه پیدا می کند. اما یک نویسنده، که بیشتر در این نگارش مورد توجه است، انتخاب سهل و آسانی برای بیان نظریات و فرآورده های ذهنی و تخیلی اش دارد که پیوند مستقیم با استفاده از هویت اصلی و یا استعاری او می داشته باشد. هر یک از این راه ها دارای امتیازات و معایبی می باشد که به نحوی گویای تفکر و موقف گیری های نویسنده بوده و بر معرفی و شناخت او در جامعه تأثیرگذار است.

در افغانستان از همان آوانی که نخستین نشریه می موقوته در سال 1290 ه.ق/ 1873 م. به نام «شمس النهار» در دوره زمامداری امیر شیرعلی خان به نشر رسید تا کنون، در نشرات داخلی، و چه در نشرات بیرون مرزی بعد از پراگنده شدن شهروندان افغانستان به نقاط مختلف جهان، مثل هر کشور دیگر پیشرفته یا توسعه نیافته، استفاده از نام های مستعار معمول بوده است. برای این که اندکی به پیشینه استفاده از نام های مستعار در افغانستان آشنا شویم و هم دلیل استفاده از این نام ها را به حیث نمونه ارائه داریم، از شخصیت های براننده که در بخش های ادب و فرهنگ و سیاست می توان یاد کرد و نام های شان ثبت تاریخ گردیده و از جمله افتخارات افغانستان در عرصه های یادشده هم هستند، می توان از عبدالهادی داوی، عبدالرحمن پژواک و محمد هاشم میوندوال نام برد. مرحوم داوی در آغاز اشعار و نوشته هایش را به نام «پرشان» و محمد هاشم میوندوال به نام «پردیس» و مرحوم پژواک به نام های «وفا» و «ارمانجن» نشر می کردند.

اما در زمان صدارت محمد هاشم خان که توسط صلاح الدین سلجوقی رئیس مستقل مطبوعات آن زمان به او معرفی شدند و او از اشعار و نوشته های شان که در روزنامه های انیس و یا اصلاح آن زمان نشر می شد تمجید نمود، توصیه کرد که عبدالرحمن بجای «ارمانجن» تخلص «پژواک» و محمد هاشم که از منطقه میوند بود به

عوض «پردیس» «میوندوال» تخلص نماید و تا اخیر عمر به همین نام‌ها زندگی کردند و نوشتند و شعر گفتند و از نام‌داران سیاست و ادب و فرهنگ شدند.<sup>1</sup>

برای این‌که بیش‌تر به چگونگی استفاده از نام مستعار و روش استفاده از آن توضیحی داده شود نظری به پیشینه‌ی کاربرد نام مستعار در جهان می‌اندازیم.

استفاده از نام‌های مستعار در قرن هجده در اروپا بسیار معمول بود و این زمانی بود که ژورنالیست‌ها و نویسندگان می‌خواستند در مورد موضوعات جنجال‌برانگیز و یا حتی مقالات غیرقانونی و هم پیام‌هایی به گردانندگان روزنامه‌ها بنویسند.

از جمله‌ی شخصیت‌های معروف سیاسی و نویسندگان برانزده‌ی امریکایی که از نام‌های مستعار استفاده کردند فقط به‌ذکر دو نام اکتفا می‌کنیم. نخست بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin) یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده‌ی امریکا و سیاستمداران بنام این کشور که در نوشتن اعلامیه‌ی استقلال امریکا و قانون اساسی این کشور نقش برانزده و فعالی داشت، و ثانیاً ماری آن ایوانس (Mary Ann Evans) که در نوشته‌هایش از نام مستعار جارج ایلویوت (George Eliot) استفاده می‌کرد.

بنجامین فرانکلین (17 جنوری 1706 - 17 اپریل 1790) فرزند کسی بود که دکان شمع‌سازی و صابون‌سازی داشت و بنجامین برای این‌که به پدرش کمک مالی کرده بتواند مکتب را از صنف دهم ترک گفت و به پدرش در این دکان کمک می‌کرد. او را که هنوز دوازده سال عمر داشت در چاپخانه‌ی برادرش «جمز» (Jams) به‌شگرودی نشانند و در همان‌جا بود که بنجامین با روزنامه‌ها آشنایی پیدا کرد و شوق نویسندگی به سرش زد و چون استعداد داشت به نوشتن مقالات آغاز کرد. ولی وقتی برادرش «جمز» از نشر مقالات او ابا ورزید فرانکلین که در این زمان شانزده سال داشت مقالاتش را ناچار با نام زنانه‌ی خانم سایلنس دوگود (Mrs. Silence Dogood) به چاپخانه‌ی برادرش می‌فرستاد.

نویسنده‌ی دیگری که برای نشر مقالاتش نام متفاوت و مردانه‌ی برای کتمان هویت اصلی‌اش انتخاب کرد، داستان‌نویس، ژورنالیست و مترجم انگلیسی بانو «ماری آن ایوانس» (Mary Ann Evans) بود که از 22 نوامبر 1819 تا 22 دسمبر 1880 می‌زیست و چون در جامعه‌ی مردسالار آن‌زمان مقالات او به‌حیث یک‌زن، خواننده‌ی کمتر داشت و مورد توجه قرار نمی‌گرفت، نام مردانه‌ی جارج ایلویوت (George Eliot) را انتخاب و با همین‌نام آثارش را تا اخیر عمر چاپ کرد.

در بیش‌تر کشورها بنا به دلایل خاص اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی استفاده از نام مستعار برای نشر دیدگاه‌ها و فرآورده‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی معمول بوده است. مخصوصاً این امر در کشورهای دارای نظام‌های استبدادی بیش‌تر رایج است؛ زیرا اختناق فرهنگی و سیاسی، و تابوهای اجتماعی (موضوعاتی که بحث بر آن‌ها ممنوع تلقی می‌گردد) حاکم بر جامعه، جرأت نویسندگان را برای اظهار حقایق و بیان واقعیت‌ها از آنان می‌گیرد. بیم نویسندگان از عدم مصونیت جان و مال خود، خانواده و اقارب‌شان، آنان را وادار می‌کند تا افکار و اندیشه‌های‌شان را در قالب نام‌های مستعار عرضه کنند؛ ولی در جامعه‌های دموکراتیک و مردم‌سالار به‌جز افشای اسرار در پیوند با منافع ملی، مسایل عادی و نظرهای انتقادی و یا تحلیل‌های عالمانه و نقدگونه، آزاد است و ضرورت استفاده از نام مستعار رفع می‌گردد. البته این یگانه دلیل استفاده از نام مستعار نیست و دلایل دیگری هم به آن افزود شده می‌تواند.

تحقیقات و بررسی‌هایی که در جوامع مختلف مخصوصاً در جامعه‌های دارای نظام مردم‌سالار، با در نظر داشت تضمین اصل آزادی بیان صورت گرفته، دلایل ذیل هم برای استفاده از نام مستعار مطرح بوده می‌تواند:

عمده‌ترین مورد کاربرد نام مستعار، کتمان هویت از سوی نویسنده است. این امر را حتی همین امروز در جوامع دموکراتیک می‌توان دید. برخی از نویسندگان برای احتراز از اهانت، توهین و ترور شخصیت از جانب مخالفان موضوعی که به‌زعم چنین اشخاصی مغایر باورهای مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی آن‌ها است، از نام مستعار استفاده می‌کنند. چنین روشی در میان شهروندان افغانستان ساکن در بیرون از این جغرافیا و حتی آنانی که در جهان غرب و دنیای آزاد زندگی می‌کنند، هم کم و بیش دیده می‌شود و در وبسایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مثل فیسبوک و تویتر نمونه‌هایی از آن به‌چشم می‌آید.

یکی دیگر از موارد استفاده از نام مستعار این است که آثار قبلی نویسنده که با نام اصلی او عرضه شده، به‌هر دلیلی، برای مخاطبانش جذابیت نداشته است؛ از این رو اثر جدیدش را با نام دیگری عرضه می‌کند؛ تا پیام و نظرش را به‌گونه‌ی دیگر به مخاطبان خود برساند و یا هم با در نظر داشت نظریات و نوشته‌های قبلی مورد شامت و اهانت قرار نگیرد.

گاهی نام مستعار می‌تواند برای نویسنده پیامدی منفی به بار آورد، و آن زمانی است که مخاطبان او با همان ذهنیتی که از قبل نسبت به نویسنده یا اثر دارند، از لابه‌لای اثر جدید یا ماحول آن کشف کنند که نویسنده‌ی اصلی، کسی دیگر از آن است که نامش در پشت جلد مثلاً کتاب نوشته شده است. از طرفی به‌کاربردن نام‌های نامأنوس و بدون شناخت و یا نام اول نویسنده، یا به‌کاربردن نام به صورت مخفف و مجهول، باعث کاهش تأثیر مقاله و یا اثر می‌گردد. زیرا اگر آفرینش‌گر اثر بدان‌چه خلق کرده، باور و اعتماد، و به‌درستی ادعا و مطلبش ایمان، و به‌صداقت گفتارش اعتقاد داشته باشد؛ و در عین زمان خطر جانی و مالی متوجه او و آقارش نباشد، یا تحت تعقیب و پی‌گرد نظام استبدادی قرار نگیرد، و یا در یک جامعه‌ی مختلق سنتی و عقب‌مانده به‌سر نبرد، دلیلی ندارد که از نام مستعار استفاده کند. یکی از دلایل همیشگی که در ذهن هر خواننده‌ی خطور می‌کند این است که نویسنده با استفاده از نام مستعار می‌خواهد هویت خود را پنهان کند و از آن هراس دارد که ادعا علیه اشخاص و یا اعتراضاتی که بر یک اثر و نوشته‌ی دیگری دارد، مدلل و مستند نیست و این مسأله بالاخره مورد تدقیق و بررسی قرار می‌گیرد و بر شهرت او صدمه می‌رسد.

جرات اخلاقی و برخورد صادقانه با پدیده‌ها و مسایل، از خصایل نیک هر ژورنالیست، نویسنده، هنرمند و هر آفرینش‌گر اثر ادبی، فرهنگی، سیاسی و علمی است. از این‌رو آفرینندگان چنین آثاری در یک فضای باز و دموکراتیک و قانون‌مند می‌توانند از آثارشان شجاعانه و با شهامت دفاع کنند.

در سال‌های 1980 که مقاومت مردم افغانستان در مقابل تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان به اوج خود قرارداد داشت و بیش از پنج‌میلیون شهروند افغانستان، آواره‌ی کشورهای دیگر به ویژه پاکستان و ایران گردیدند، علت عمده‌ی آن، اعمال دیکتاتورهای استالینستی و ملاحای تنگ نظر بود که عرصه‌ی نفس‌کشیدن را برای تعداد زیادی از قشر تحصیل‌کرده و ملی‌گرای آزادمنش و دانشمندان کشور، تنگ ساخته بودند. همان بود که مردم از روی ناگزیری راه هجرت را پیش گرفتند. یکی از این شخصیت‌های برآزنده و دانشمند، سید بهاء‌الدین مجروح، استاد دانشگاه کابل بود که در 11 فبروری 1988 به ضرب گلوله‌ی آدمکشان تنگ‌نظر در پیشاور در دروازه‌ی منزلش ترور شد؛ چون او بود که با آنان‌که مقاومت دلیرانه‌ی مردم افغانستان را گروگان گرفته بودند، مخالفت می‌کرد و صدای اکثریت خاموش ملت افغانستان را با نشر مجله و روزنامه و نظر‌پرسی‌های مردم، بلند کرده بود.

برخی از نویسندگان کشور ما بنا بر دلایلی که پیش‌تر اشاره شد، نوشته‌ها و آثارشان را با نام‌های مستعار به‌چاپ می‌رساندند؛ از جمله یکی استاد عبدالله سمندر غوریانی، دانشمند مشهور کشور ما بیود که چند روز قبل در ایلات متحده بامریکا جهانی فانی را وداع گفت. او در روزگاری که در پیشاور به‌سر می‌برد، اثر فلسفی‌اش را با عنوان «ماده و معنی» به‌نام مستعار «ابوالوفای افغانی» نشر کرد؛ زیرا محتوای این اثر برای پیشاورنشینان قابل درک و پذیرش نبود. این است نمونه‌هایی از آنچه اختناق و استبداد حاکم بر جامعه‌ی تحصیل می‌کند و استفاده از نام مستعار را نه تنها مجاز، بلکه یک امر حتمی می‌سازد. نه این‌که آفرینش‌گر در یکی از کشورهای اروپایی و یا امریکا با استفاده از همه نعمات زندگی مادی و یک فضای آرام و دموکراتیک و مصون از هر نوع تهدید، و تعجیز، باز هم در پشت پرده‌ی ابهام فرو رود و برای پنهان‌کردن ضعف یا فرار از جواب‌گویی، چهره در نقاب استعاره‌ی گشود.

درنگی بر محیط نشراتی و وسایط ارتباط عامه در جامعه‌های بسته و غیردموکراتیک نشان می‌دهد که در چنین جوامع قدرت‌مندان، و به‌خصوص آن‌عده رهبرانی که دیوانه‌ی قدرت‌طلبی هستند، از هر وسیله و امکانی برای تداوم حاکمیت‌شان کار می‌گیرند. این قدرت‌مندان مستبد و تنگ‌نظران و دیکتاتورها، شامل تمام انواع آن، همیشه سعی دارند حقایق را پنهان کنند و مردم را در تاریکی نگهدارند. ژورنالیزم و همه انواع رسانه‌های رسالت‌مند نوشتاری، شنیداری، و تصویری و حالا دیجیتالی، در طول تاریخ این مسلک و از همان آغاز فعالیت‌های رسانه‌های همگانی در هر نقطه‌ی از جهان، سعی داشته‌اند، نه تنها حقایق را که در جامعه رخ می‌دهد، نشر و مردم را آگاه کنند؛ بلکه نقش کلیدی در سمت‌دهی افکار عامه و موقف‌گیری جامعه در برابر استبدادهای سیاسی، قومی، نژادی و مذهبی و نظامی ایفا کرده‌اند. حقایق، نه شایعات و اطلاعات بی‌بنیاد و غیرمستند، بزرگترین حربه‌ی است که یک جامعه‌ی آگاه و مترقی برای تغییر مثبت، در دست دارد و این حقایق و حربه را فقط ژورنالیزم و نشرات است که به دسترس مردم قرار می‌دهد. دیکتاتورها برای جلوگیری از نشر حقایق و افشاگری رسوایی‌ها و نارسایی‌ها، تبعیض‌ها، تعصبات، اختلاس‌ها و سوء استفاده‌های قدرت‌مندان خودکامه و انواع فساد در دستگاه حاکم، دست به هر اقدامی برای تضعیف و نابودی ژورنالیست‌ها و مخالفان خود می‌زنند.

زندانی کردن‌ها و کشتار تعداد زیادی از مخالفان حکومت حزب دموکراتیک خلق شامل مردمان عادی، حتی از یک کسبه‌کار و دوره‌گرد عادی، تا متعلم و محصل و معلم و استاد دانشگاه تا مأمور دولت و ژورنالیست خلاصه هر کسی که جزئی‌ترین انتقادی از اعمال دولت و یا یکی از حزبی‌ها و مأمورین دولت می‌نمود، به نام مخالف، نیست و نابود می‌شد و یا هم بدون محاکمه در زندان به‌نام ضد انقلاب می‌پوسید.

قتل‌های زنجیره‌ی و هدف‌مند به‌خصوص در سال‌های اخیر در افغانستان توسط قدرت‌طلبان و مفسدان جامعه، مخالفان مسلح به‌خصوص طالبان و داعش، نمونه‌ی بارزی از کردار بی‌اصول خیانت‌پیشگان و دشمنان مردم

افغانستان است، که از افشاگری‌ها و گفتن حقایق هراس دارند و با کشتار خدمت‌گاران واقعی جامعه و پیش‌روان کاروان مدنیت، مذبحخانه تلاش دارند صدای حقیقت‌گویان را خاموش سازند.

این دیکتاتورها هرگونه انتقاد از خویش را انتقاد از یک ایدئولوژی که به آن تعهد دارند، تلقی می‌کنند. حالا این‌که آیا آن‌ها واقعاً به چنین ایدئولوژی و یا تفکری معتقد هستند و آن را مقدس می‌دانند، سؤالی است که اعمال آن‌ها بر عکس این ادعا را به اثبات می‌رساند.

از آن‌جا که همه‌ی این دیکتاتورها خود را مافوق قانون تصور می‌کنند، تمام قدرت و صلاحیت را به‌خود منحصر می‌سازند؛ مانند: امپراتور روم که می‌گفت: «من خود قانون هستم» این دیکتاتورها هم فکر می‌کنند که بالاتر از قانون و خودشان قانون هستند. همان است، زمانی‌که ژورنالیست، چنین تصویری را مورد سؤال قرار می‌دهد، دست به نابودی او می‌زنند و ژورنالیزم را دشمن مردم می‌خوانند، در حالی‌که ژورنالیست از نگاه اصول و موازین ژورنالیزم، با هیچ‌کسی دشمنی ندارد؛ ولی مخالف دروغ‌گویی، تخلف از قانون، ظلم، انواع تعصب و ناپسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و انواع فساد اجتماعی است و به‌حیث «صدای آنانی‌که صدایی ندارند» رسالت خود را ایفا می‌کند.

در تحلیل نهایی، ژورنالیزم در جوامع آزاد و دموکراتیک «دوست مردم» و در جوامع بسته و غیردموکراتیک از جانب قدرت‌مندان انحصارطلب و تک‌روانی که با آن‌ها از در مخالفت پیش می‌آید و ناپسامانی‌ها و فسادپیشگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را رسوا می‌سازد، به‌نام «دشمن مردم» نامیده می‌شود.

در افغانستان نیز در چنین ماحول و فضای سیاسی و فرهنگی، ژورنالیزم به‌حیث دشمن مردم تلقی می‌گردد. حالا فرقی نمی‌کند که این دیکتاتوری‌ها و خودکامگی‌ها خانوادگی بوده یا قومی و مذهبی و یا هم نظامی، در هر حالت، چنین حکومت‌ها همیشه سعی داشته‌اند از ژورنالیزم و نشرات معدودی که اجازه‌ی نشر یافته بودند، و تقریباً همه بلندگو و مداح دولت حاکم در چنان شرایط و مبلغ برنامه‌های دولتی و حکام بوده‌اند و همیشه از ژورنالیزم فقط استفاده‌ی ابزاری کرده‌اند.

با وجود این، نمی‌توان ادعا کرد که در سایر جوامع از ژورنالیزم استفاده‌ی ابزاری نمی‌شود؛ چنان‌چه در جوامع باز و دموکراتیک نیز گاهی سیاست‌گران و منتقدان سیاسی و اقتصادی هم از ژورنالیزم استفاده‌ی ابزاری می‌کنند؛ ولی با آزادی‌های تضمین‌شده‌ی دموکراتیک حاکم بر این جوامع، زمینه‌ی نشر هرگونه نارسایی و کاستی را در هر سطحی چه سیاست‌گران از مراتب پایینی و چه بالایی تا رئیس‌جمهور این جوامع، نشر و تصویر روشنی از همه زوایای این جوامع را به مخاطبان شان ارائه می‌دارند.